

برگی از بوستان شعر دو میلاد بزرگ

شمس نبوت جلوه‌گر از شرق ایمان آمده
ماه ولایت تابناک از ساحت جان آمده
خورشید عدل و اعتدال با اقتداری بی‌نظیر
انسدر سماوات یسقین، این لحظه تابان آمده
ده مژده بر صاحب‌دلان کناندر قلوب اهل دل
نور همدایت مشتعل در پامدادان آمده
بلبل به گلزار ولا، خوش نغمه‌خوانی می‌کند
قمری به طریق کنوهار شاد و غزل‌خوان آمده
انسدر ربیع اولین اما به هنگام خزان
در هفدهم روزش دو گیل، ظاهر به دوران آمده
ختم رسولان یک طرف بنهاد بر گیتی قدم
بر شیعیان رهبر همی یک‌سو نمایان آمده
از صلب عبدالله کنون مه‌طلعتی ظاهر شده
از پشت بساطر جلوه‌گر نوری درخشان آمده
دامیان پاک آمده آمد تحلیگاه نور
انسدر بر، ام‌قروه را طفلی چو جانان آمده
در مکه احمد رخ نمود با صد جلال و مرتبت
صادق به یثرب حالیا چون غنچه خندان آمده
نور محمد ۶ جلوه‌گر اندر یگانه‌ی دل‌فریب
برقع ز رخ جعفر گرفت هر شیعه شادان آمده
چون دین و مذهب هر دو گشت رمز هدایت بهر ما
یا للعجب! میلادشان یک روز و یکسان آمده
عصر جهالت رفت و شد دوران علم و افتخار
از این دو میلاد بزرگ نک دور قرآن آمده
تورات موسی نسخ شد، انجیل عیسی هم چنین
ختم رسل این لحظه با قرآن فرقان آمده
شائق یقین دارد یقین بر چهارده معصوم پاک
آمد ثناگویان اگر از لطف یزدان آمده

دیوانه تو

دیوانه تو عقل مجرّد دارد بیگانه تو چهل مؤید دارد
هر دل که بر آن تو دلشاده است چون خالقی دل و را مؤید دارد

* * *

هجران

ز هجران تو گریانم شب و روز بسی گریان ز هجرانم شب و روز
سیاکز دوری روی چو ماهیت عزیزا، اندر افغانم شب و روز

فُرقت گل

بی شمع رخ تو هم چنان پروانه سوزد دل زار و خسته چون غم خانه
باز آکه ز فُرقت گل روی تو من چون بلیل شیدا شده ام دیوانه
شائق

* * *

عارفان زنده دل

عارفان زنده دل در عشق ماوا می کنند
عاشق نورند اینان، رو به اسما می کنند
با خدای خویش خلوت می کنند هر صبح و شام
از سر صدق و صفا دل را مصفا می کنند

* * *

آزادگان

(۲۶ مردادماه سال روز ورود آزادگان به میهن گرامی باد).

دیده ها در حسرت ذکر لب آزادگان قلب ها جلوه گر تاب و تب آزادگان
می کشد فزاید عاشق، می کند پرواز شائق سرّ حق افتاده در اسم شب آزادگان
محسن غرویان * * *